



۳

فوت و فن های یک گفت و گوی درست  
برای رفتن میخ آهنین در سنگ!

## بازی با برد-برد

طرح: نوجوانانه



در میان ستاره‌ها



معرفی



پاتوی کفش تاریخ



مُد دُمده



یکی به توپ، یکی به میز

## گرای دل

حسین شکیب‌راد



ممکن بود یک‌هواز چند کیلومتر آن طرف‌تر  
ببینی یک دود بلند شده است و مثلاً پیامش  
این است که فلان قبیله مواد غذایی اش

خودمان تاثیرش را می فهمیم هم دیگران.  
حالا اگر فرمول‌ها را یادگرفتی و حرفی که  
خواستی بزنی محتوای جالبی نداشت چه؟  
اگر دلی را شکست چه؟ اگر راهی را کج کرد چه؟  
من چون یک بار نتیجه اخلاقی گرفتم و  
بیشتر از این دوست ندارم سرمقاله‌ام محتوا  
پیدا کند این یکی را می سپارم به خودتان.  
منتها یک جمله بد نیست بگویم. این که هم  
باید بلد باشیم خوب حرف بزنیم هم حرف  
خوب بزنیم.

نتیجه اخلاقی این دو پاراگراف بالا ساده است.  
مساله وسیله نیست، بلکه محتوایی است که  
قرار است منتقل شود. انواع و اقسام وسایل  
را هم به کارگیری ولی نتوانی حرف دلت را  
درست متوجه دیگران کنی هیچ فایده‌ای ندارد.  
حالا شاید ندانیم که همی حرف زدن،  
قواعد خاص خودش را دارد. اصلاً ما در مورد  
اکثر چیزها فکر می‌کنیم خیلی بی قاعده  
و به قول معروف یلخی است. در حالی که  
اگر فرمول‌ها و زیر و بم کار را بدانیم هم

تمام شده و نیاز به کمک دارد. این دقیقاً  
شرایط هزاران سال پیش را نشان می‌دهد  
که وسیله ارتباط با نقاط دور همین دود بود.  
امروز اما هزار و یک جور وسایل ارتباطی  
وجود دارد ولی خیلی اوقات ساده‌ترین  
حرف‌ها را هم با استفاده از همین ابزار  
نمی‌توانیم به طرف مقابل مان بفهمانیم.